

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سعی سبب رزق نیست

(ترجمه)

به جواب محمد خطیب

سوال:

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

به اجازه شما در مورد رزق سوالی دارم؛ سوال این است که آیا سعی باعث افزایش رزق مقدرشده می‌گردد؟ یعنی اگر شخصی در خانه خود نشسته باشد رزق اش همان مقدار رزقی است که در صورت تلاش و کار کردن به دست می‌آورد؟ به عبارت دیگر، آیا اعلانات و یا بازاریابی به خاطر ارتقای سطح کار، در مقدار رزق تعیین شده می‌افزاید؟ تشکر، تقاضا دارم که در صورت ممکن جواب این سوال زودتر داده شود. الله سبحانه و تعالی شیخ ما را حفظ نموده و عمر شان را طولانی گرداند!

جواب:

وعلیکم السلام ورحمة الله و برکاته!

به نظر می‌رسد که در مورد مسأله رزق در نزد شما اندکی پوشیدگی و التباس وجود دارد. به هر حال، این موضوع قبلاً توضیح داده شده، مخصوصاً در "دوسیه پرسش و پاسخ فقهی"؛ شما می‌توانید به آن مراجعه نمائید که به صورت کامل در آن موجود می‌باشد و جهت جواب به سوال شما، من قسمتی از آن را برایت در این جا به صورت خلاصه بیان می‌کنم:

«اما مسأله رزق، آیات قطعی الدلالتی بسیاری وجود دارد که این آیات برای مؤمنین جای شک و تردیدی باقی نگذاشته و مجالی نمی‌گذارد؛ مگر این که ایمان بیاورند که رزق به دست الله سبحانه و تعالی بوده و برای هر کسی که خواسته باشد، می‌دهد. مسأله رزق غیر از مسأله قدر است؛ زیرا قدر آن است که الله سبحانه و تعالی وقوع فلان امر (حادثه) را قبل از به وقوع پیوستن آن می‌داند؛ زیرا آن نوشته و مقدر شده، اما در خصوص رزق علاوه بر این که الله سبحانه و تعالی می‌داند که فلان شخص رزق داده می‌شود رزق اش را تعیین و مقدر نموده است، معلوم است که رازق تنها الله سبحانه و تعالی بوده، نه بنده؛ زیرا آیات مبارکه به این مسأله دلالت دارد:

﴿لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾ [طه: 132]

ترجمه: ما از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه ما به تو روزی می‌دهیم. سرانجام (نیک و ستوده) از آن (اهل پرهیزگاری و تقوی) است.

﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ حَلٰلًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْ اَنْتُمْ بِهٖ مُّؤْمِنُونَ﴾ [مائده: 88]

ترجمه: و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که الله به شما روزی داده است بخورید، و از (مخالفت با دستورات) الهی تقوی کنید که شما بدو ایمان دارید.

این آیات قطعی الدلالة بوده و صراحت دارد که تنها الله سبحانه و تعالی رازق بوده و او است که برای هرکسی خواسته باشد، رزق را فراخ و برای هرکسی خواسته باشد، رزق را تنگ می‌کند. در تمام این موارد نسبت رزق به سوی الله سبحانه و تعالی داده شده و در این آیات ذکر شده که جز الله سبحانه و تعالی دیگر رازقی نبوده و تنها او رزق می‌دهد. نسبت فعل رزق به سوی الله سبحانه و تعالی نسبت حقیقی می‌باشد.

پس می‌بینیم که در آیات مبارکه نسبت فعل رزق تنها به سوی الله سبحانه و تعالی داده شده، نه به سوی انسان. هم‌چنان در کدام حدیثی نیامده که نسبت فعل رزق به سوی انسان داده شده باشد. به این ترتیب، در تمام نصوص نسبت رزق به الله سبحانه و تعالی داده شده؛ اما مواردی که نسبت رزق برای انسان داده شده، هدف این است که برای شان مال و صدقه بدهید؛ نه رزق؛ مثلاً این فرموده او تعالی:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ﴾ [نساء: 5]

ترجمه: اموال کم‌خردان را که در اصل اموال شماست، به خود آنان تحویل ندهید؛ چرا که الله این اموال را برای تان قوام زندگی گردانده است. از (ثمرات) آن خوراک و پوشاک ایشان را تهیه کنید و با سخنان شایسته با آنان گفتگو کنید (و ایشان را نیازارید و با ایشان بدرفتاری نکنید).

وقال تعالی: ﴿وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ﴾ [نساء: 8]

ترجمه: و هرگاه خویشاوندان (فقیر شخص مرده) و یتیمان و مستمندان (غیرخویشاوند) بر تقسیم (ارث) حضور پیدا کردند، چیزی از آن اموال را بدانان بدهید و به گونه زیبا و شایسته با ایشان سخن بگوئید (و از آنان دلجوئی و معذرت‌خواهی کنید).

هدف آیه اولی این است که برای شان طعام بدهید و هدف از آیه دوم این است که از رزقی که برای شما داده شده، برای دیگران بدهید و این نسبت رزق به سوی انسان نبوده و به معنی رزق دهنده نیست. شما در تمام آیات می‌بینید که چنین صراحت دارد:

﴿نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ﴾ [انعام: 151]

ترجمه: ما شما را روزی می‌دهیم.

و در آیه دیگری فرموده است:

﴿وَرِزْقِ رَبِّكَ﴾ [طه: 131]

ترجمه: و رزق پروردگارت.

و در آیه دیگری فرموده است:

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ﴾ [بقره: 60]

ترجمه: از رزق الله (سبحانه و تعالی) بخورید و بنوشید.

در تمام این آیات دیده می‌شود که فعل رزق به الله سبحانه و تعالی نسبت داده شده، این معنی، تأویل را قبول ننموده و او تنها الله است که رزاق بوده و رزق به دست او است.

بنابر این، واجب است که ایمان داشته باشیم تنها الله سبحانه و تعالی رازق مخلوقات است؛ زیرا دلیل قطعی الثبوت و قطعی الدلالة است. پس ایمان به آن فرض بوده و کفر به آن کفر است؛ پس کسی که به الله سبحانه و تعالی به عنوان رازق ایمان نداشته باشد، کافر بوده و به الله سبحانه و تعالی از آن حالت پناه می‌بریم.

این مسأله رزق از ناحیه ایمان و دلیل است؛ اما یک مسأله دیگری که قابل ذکر است؛ این که الله سبحانه و تعالی، به علاوه این که امر نموده که باید به رازق بودنش ایمان داشته باشیم؛ انسان را امر به سعی و تلاش برای کسب رزق نموده است؛ چنان که فرموده است:

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ﴾ [ملک: 15]

ترجمه: او کسی است که زمین را رام شما گردانیده است. در اطراف و جوانب آن راه بروید و از روزی الله بخورید.

هم‌چنان او تعالی فرموده است:

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ [جمعه: 10]

ترجمه: آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی الله بروید و الله را (با دل و زبان) بسیار یاد کنید تا این که رستگار شوید.

پس این دو آیه امر به تلاش و سعی برای طلب رزق نموده و وقتی این امر مقترن به سعی برای طلب رزق در آیات شد که صراحت بر رزاق بودن الله سبحانه و تعالی دارد، واضح می‌گردد که تنها الله سبحانه و تعالی رزاق است و چنین تشریح می‌شود که باید ایمان آورد که تنها الله سبحانه و تعالی رزاق است. پس آیات اولی به صورت قطعی دلالت به این دارد که تنها الله سبحانه و تعالی رزاق بوده و الله است که رزق را می‌دهد، نه انسان. این دو آیه مبارکه ما را به کارکردن برای حصول رزق امر می‌کند.

حقیقت این است که سعی سبب رزق نیست؛ زیرا سبب مسبب را حتماً به وجود می‌آورد. مسبب بدون سبب‌اش به وجود نمی‌آید؛ مثلاً کارد سبب قطع است، یعنی کارد است که قطع می‌کند و آتش سبب سوختاندن است یعنی آتش است که می‌سوزاند؛ پس بریدن بدون کارد، یعنی بدون آله تیز به وجود نمی‌آید و سوختاندن بدون آتش به وقوع نمی‌پیوندد؛ این است واقعیت سبب. سعی برای طلب رزق این چنین نیست اگر چنین می‌بود در این صورت سعی باید رزق می‌آورد. یعنی مثلی که کارد سبب قطع و آتش سبب سوختاندن می‌شود، سعی برای طلب رزق سبب حصول رزق نمی‌گردد و گاهی هم رزق بدون سعی حاصل می‌شود، یعنی

اگر فرضاً سعی را سبب بگیریم، گاهی دیده می‌شود که سبب یعنی سعی به وجود می‌آید؛ ولی مسبب یعنی رزق حاصل نمی‌شود؛ گاهی مسبب بدون سبب‌اش به وجود می‌آید که این مسأله به صورت قطعی دلالت بر این دارد که سعی سبب رزق نیست.

مثال‌ها در این خصوص در میدان واقعیت زندگی بسیار زیاد است؛ تاجری که برای بدست آوردن مفاد کار می‌کند، ولی نتیجه تجارت آن خساره است؛ در حالی که سعی توسط آن صورت گرفته، ولی رزق حاصل نشده است. به این معنی که سبب به وجود آمده؛ اما مسبب به وجود نیامده است؛ لذا سبب گفته نمی‌شود؛ زیرا سبب حتماً نتیجه وجود مسبب است. هم‌چنان وارث مال میراث را مستحق می‌شود، بدون این‌که برای حصول آن سعی و تلاش کرده باشد؛ اگر سعی سبب رزق می‌بود، مال بدون سعی حاصل نمی‌گردید؛ زیرا مسبب بدون سبب‌اش به وجود نمی‌آید. پس حصول مال میراثی بدون سعی دلیل بر این است که سعی سبب رزق نیست؛ زیرا رزق بدون وجود سعی به وجود آمده است.

همه این موارد به صورت قطعی ثابت می‌سازد که سعی برای طلب رزق سبب رزق نبوده، یعنی سعی نمی‌تواند رزق بیاورد و سعی مانند کارد که وظیفه عملیه قطع را انجام می‌دهد و مانند آتش که عملیه سوختاندن را انجام می‌دهد، رزق را نمی‌آورد؛ زیرا سعی سبب رزق نیست.» ختم

به این ترتیب، رازق مطلق الله سبحانه و تعالی بوده و این باور بخشی از عقیده ما است. اما سعی یک حکم شرعی است؛ اگر شما برای کسب رزقی که الله سبحانه و تعالی برای شما قضا و مقدر نموده سعی کنید، از سعی خود ثواب می‌برید؛ اما اگر سعی و تلاش نکنید، رزق مقدرشده را کسب خواهید کرد و عدم سعی و تلاش تان خلاف حکم شرعی می‌باشد؛ زیرا به گونه‌ای که الله سبحانه و تعالی دستور داده، سعی و تلاش نکردید.

انشاء الله که جواب به همین حد کافی باشد. طوری که در فوق ذکر نمودم، موضوع به صورت کامل‌اش در "الکراسه" ذکر شده، اگر چیزی برایت مبهم باشد، می‌توانید به آن کتاب مراجعه کنید. الله متعال شما را یاری کند!

برادران عطاء ابن خلیل ابوالرشته

27 صفر 1445 هـ.ق.

12 سبتمبر 2023 م.

مترجم: مصطفی اسلام